

نوع ارتباط دو طرف گفت‌وگو و مرجع تصمیم‌گیری، الگوی ارتباطی نیز تغییر می‌کند و این خود بر نحوه شکل‌گیری دانش در ذهن دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. در گروه‌های کوچک که اعضای آن ارتباطی نزدیک با هم دارند و منبع تصمیم‌گیری گروه است، الگوی مکاشفه‌ای امکان بروز پیدا می‌کند. در این شکل از ارتباط موقعیت یکسان افراد در گروه و اعتماد دوطرفه افراد به یکدیگر آن‌ها را به بیان افکار خود ترغیب می‌کند و باعث می‌شود که از ابهام و سردرگمی در بیان و حتی از برخورد با نقاط کور در گفت‌وگو هراسی به خود راه ندهند. در حالی که در گفت‌وگوی معلم با دانش‌آموزان - که موقعیت دو طرف گفت‌وگو یکسان نیست و معلم مرجع تصمیم‌گیری است و دانش‌آموزان در بیان پاسخ موردنظر معلم با یکدیگر به رقابت می‌پردازند - الگوی ارتباطی به گفتار نهایی نزدیک می‌شود. در این الگو معیار ارزشیابی آنچه بیان می‌شود، بیرونی است. به عبارت دیگر، پاسخ‌های دانش‌آموزان با معیارهای موردنظر معلم ارزیابی می‌شود. بنابراین، دانش‌آموزان در این الگو سعی می‌کنند از بیان برداشت‌های شخصی خود بپرهیزند و به بیان حفظیات روی آورند. این امر در درازمدت آنان را از تفکر در مورد آنچه می‌آموزند، بازمی‌دارد و لذا یادگیری‌شان به حفظ کردن مطالب محدود خواهد شد. البته باید توجه داشت که هر دو الگوی ارتباطی در یادگیری کلاسی سهم دارند ولی به دلیل غلبه الگوی گفتار نهایی لازم است الگوی مکاشفه‌ای بیشتر مورد توجه قرار گیرد و عوامل محدودکننده آن در گفت‌وگوهای کلاسی بررسی شوند. معمولاً معلمان با این پیش‌فرض به گفت‌وگوی کلاسی می‌پردازند که کنترل کامل موضوعات مطرح شده در دست آن‌هاست و لذا در نهایت آن‌ها تعیین‌کننده میزان ارتباط نکات مطرح شده و نحوه طرح آن‌ها می‌باشند. به سبب این پیش‌فرض، آن‌ها به طرح نظرات گوناگون درباره نکات مطرح شده علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. این نوع نگرش باعث می‌شود که آن‌ها با طرح یک سؤال و نرسیدن به پاسخ موردنظر، زنجیره‌ای از سؤالات مرتبط با هم را طرح کنند و به پاسخ موردنظر برسند. دانش‌آموزان دبیرستانی معمولاً به شرکت در چنین گفت‌وگویی علاقه نشان نمی‌دهند. معلمان این بی‌علاقه بودن آن‌ها را به بی‌انگیزگی در یادگیری نسبت می‌دهند؛ در حالی که شاید دلیل اصلی این باشد که دانش‌آموزان به مرور دریافته‌اند که دانش شخصی آن‌ها در گفت‌وگوهای معمول کلاس جایی ندارد و دلیلی نمی‌بینند که در شبه‌بحث‌های کلاسی شرکت کنند. در واقع، دانش عملی در طول زمان شکل می‌گیرد و از طریق آموزش نیز شکل‌گیری دانش به زمان و ممارست نیاز دارد. با کنار گذاشتن دانش عملی - که تا حد زیادی شخصی است - و کوتاه

الگوهای ارتباطی و یادگیری

در شماره گذشته به ماهیت برنامه درسی و نحوه شکل‌گیری دانش در ذهن دانش‌آموزان از طریق به‌کارگیری الگوهای ارتباطی کلاس درس از دیدگاه بارنز^۱ پرداختیم. در شماره حاضر این مطلب را با مطرح کردن الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به یادگیری دنبال می‌کنیم. بارنز با طرح دو نوع الگوی ارتباطی - که خود آن‌ها را گفتار مکاشفه‌ای و گفتار نهایی نام می‌نهد - سعی در بیان این نکته دارد که با تغییر در مؤلفه‌های گفت‌وگوی کلاسی از جمله تعداد افراد شرکت‌کننده،

بین الگوهای ارتباطی است. به نظر می‌رسد در اجرای برنامه درسی ملی توجه به تناسب روش‌ها با محتوای برنامه و اهداف تعیین شده و همچنین فراهم ساختن ملزومات اجرا از اولویت برخوردار است.

در پایان، لازم به یادآوری است که مقدمات راه‌اندازی وبگاه مجله رشد آموزش زبان فراهم شده است و براساس برنامه‌ریزی انجام شده هم‌زمان با انتشار شماره حاضر این وبگاه نیز در دسترس خوانندگان محترم مجله قرار خواهد گرفت. هدف از راه‌اندازی وبگاه ارتباط نزدیک‌تر و بلاواسطه با دبیران زبان انگلیسی است تا از این طریق فرصت مشارکت هرچه بیشتر آن‌ها در بحث‌های تخصصی مربوط به آموزش زبان فراهم شود. علاوه بر وبگاه ستون جدیدی نیز با عنوان «رشد و تربیت معلم زبان» با مدیریت آقای دکتر صادقیان به مجله افزوده شده است که در آن موضوعات مرتبط با تربیت معلم زبان به بحث گذاشته می‌شود. مشارکت خوانندگان محترم مجله در بحث‌های مطرح شده بر غنای این بحث‌ها خواهد افزود و باعث خواهد شد که بحث‌ها بر اساس نیاز مطرح و پیگیری شوند.

نشانی وبلاگ:

<http://roshdmag.ir/weblog/fltjournal>

پی‌نوشت

1. Douglas Barnes (1975) "From Communication to Curriculum"

کردن زمان در معادله یادگیری نتیجه لازم حاصل نمی‌شود. این امر در مورد یادگیری زبان نیز صادق است. به دلیل ارتباط نزدیک زبان و تفکر، غالب شدن الگوی گفتار نهایی دانش‌آموزان را از بیان افکار و احساسات خود از طریق زبان دوم باز می‌دارد و باعث می‌شود یادگیری زبان به حفظ کلیشه‌های زبانی محدود شود. کاربرد زبان فی‌البداهه و تحت فشار زمان صورت می‌گیرد؛ در حالی که فرصت‌های کاربرد فی‌البداهه و تحت فشار زمان در کلاس‌های زبان بسیار نادرند. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، شکل‌گیری الگوهای ارتباطی علاوه بر حوزه‌های روش و محتوا به عوامل مرتبط با اجرای برنامه درسی نیز بستگی دارد. در حوزه محتوا فعالیت‌های یاددهی-یادگیری باید به نوعی طراحی شوند که فرصت تفکر و طرح دانش عملی توسط دانش‌آموزان فراهم آید. لازم است در کلاس درس روش‌های تدریس به کار گرفته شده فرصت مشارکت فعال دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری فراهم نمایند. این خود مستلزم تغییر در نقش معلم و دانش‌آموز است که نگرش‌های جدیدی را در امر آموزش به دنبال دارد. به این ترتیب، در حوزه اجرای برنامه درسی نیز تغییراتی در زمینه روش‌های سنجش و ارزشیابی، آموزش‌های ضمن خدمت و فراهم آوردن امکانات آموزشی برای اجرای روش‌های فعال یادگیری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

حال که امکانات لازم برای اجرای برنامه درسی ملی فراهم می‌شود، توجه به الگوهای ارتباطی اهمیت زیادی دارد؛ چراکه بسیاری از نارسایی‌های فعلی در آموزش ناشی از نبود موازنه

